مراسم اختتامیه جام باشگاه کتابخوانان مشهدی برگزار شد

مشهد؛ شهر کتابخوان

محبی| دومین رویداد «مشهد، شهر کتاب خوان ها»، مراسم اختتامیه جام باشگاه کتاب خوانان مشهدی و همچنین مراسم اختتامیه اولین رویداد باشگاه نوجوانانه دعوت ویژه اعضای مرکزی مجازی مسابقات کتاب خوانی که به همت مؤسسه فرهنگی هنری شهید روحی آغاز به کار کرد، عصر دیروز، ۱۶ اسفند، در تالار شهر مشهد به کار خود پایان داد.

خانواده، مدرسه و رسانه؛ ۳ ضلع مثلث کتاب‌خوانی

یوسف امینی، قائم مقام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این مراسم با اشاره به انتخابات باشکوهی که در کشور برگزار شد، از این گفت که برگزاری این رویداد، نوید بخش آینده ای روشن برای ایران و نسل جوان است. او گفت: به همه کودکان و نوجوانانی که در این رویداد فرهنگی شرکت کردند و همچنین به والدین آن ها، تبریک می‌گوییم که به این قبیل برنامه های فرهنگی اهمیت می دهند. سرمایه‌گذاری در حوزه کتاب می تواند سعادت جامعه و آینده کشور را تضمین کند. امینی در ادامه از سه مسئله مهم در حوزه کتاب سخن گفت: تولید و نشر یکی از بخش های مهم صنعت کتاب خوانی است که آمارها می‌گوید وضعیت بدی نداریم. در سال عناوین زیادی کتاب چاپ و منتشر می شود. مسئله دیگر، بحث معرفی و ترویج کتاب است که ما در این بخش در سطح متوسطی هستیم. باوجود سرمایه‌گذاری هایی که در این بخش صورت می‌گیرد، گاهی وقت ها کتاب ها خوب معرفی نمی شود. مسئله سوم، داشتن جامعه کتاب خوان است که در این بخش باوجود اینکه به اهمیت کتاب واقف هستیم و می دانیم مطالعه

۱۷۰ باشگاه کتاب خوانی در مشهد تأسیس می‌شود

در ادامه این برنامه مدیرعامل مؤسسه شهید روحی و دبیر این رویداد فرهنگی از این گفت که تلاش شده است تا شرایطی فراهم شود تا در شهر مشهد زنجیره ای از کتاب و کتاب خوانی فراهم شود. او گفت: در این راه تشکل های مختلفی با ما همکاری کردند و سعی ما در سال آینده گسترش و استمرار این رویه است. قصد داریم در آینده ۱۷۰ باشگاه کتاب خوانی در نقاطی چون مدارس، کتابخانه های عمومی و مساجد برقرار کنیم. این رویداد بشارتی است برای شهر مشهد در ادامه این برنامه، پیام دکتر یاسر احمدوند، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پخش شد.

او در بخشی از صحبت هایش گفت که مشهد به عنوان شهر کتاب خوان در این برنامه معرفی شده است و این اتفاق می تواند سرآمد برنامه های فرهنگی دیگر باشد. او همچنین ابرازامیدواری کرد که فعالیت های فرهنگی در شهر مشهد افزون تر شود. حجت گنابادی نژاد، معاون فرهنگی، اجتماعی و زیارت استانداری خراسان رضوی نیز با اشاره به اینکه این رویداد با حضور کودکان و نوجوانان همراه شده و این کار، کار ارزشمندی است، از این گفت که ما در عرصه کتاب و کتاب خوانی، نویسندگان توانمند، مطرح و هنرمند و خوش ذوقی داریم و مشهد همچنین ناشران خوبی دارد. این رویداد می تواند نوید و بشارتی برای مشهدی ها باشد. کتاب خوانی نه سن می شناسد، نه شغل، نه محدودیت. بهترین الگو برای کتاب خواندن، خانواده ها هستند. اجرای نقالی، سرود، تئاتر، پخش ویدئوکلیپ پیام دکتر احمدوند، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تقدیر از مروجان کتاب خوانی شهر مشهد و برگزیدگان اولین رویداد باشگاه نوجوانانه دعوت، از بخش های دیگر این رویداد بود.

تازه های کتاب

سوقی، روایت اخراج کردنشینان ایران از عراق

کتاب «سوقی» به قلم مریم شیدا و به وسیله انتشارات «روایت فتح» منتشر شد. خبرگزاری تسنیم نوشته است: سوقی، روایت روزهای تلخ آوارگی، بی خانمانی و سرگردانی مردمانی از دیار زاگرس است که برای سال ها به صورت مسالمت آمیز در عراق و در کنار مردم آن کشور زندگی کرده اند. سال ۱۳۵۹ و چند ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی، به دستور صدام حسین، خانواده های ایرانی که از نژاد کردهای فعلی که متعلق به حوزه جغرافیایی استان ایلام است، بی رحمانه از کشور عراق اخراج می شوند و با مصادره اموال و به گروگان گرفتن جوانانشان، روانه ایران می شوند.

در بخشی از کتاب می خوانیم:

«گفتم کاترینا می دانی انتظار یعنی چه؟ نگاه خیسش را به من انداخت و منتظر جوابم ماند. یعنی یک عمر چشمت به در باشد و این در هرگز باز نشود و تو پیر شوی. موهایت سپید شود و نگاهت تا ابد به در بماند. می دانی، نمی آید ولی باز هم چشمت به در بسته باشد. این بار با صدای بلند گریه کردم آن قدر که احساس کردم سبک شده ام.»



زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

رئیس ستاد انتخابات تهران: احتمالا انتخابات مجلس در تهران به دور دوم بیانجامد.

ویراسته ✓

رئیس ستاد انتخابات تهران: احتمالا انتخابات مجلس در تهران به دور دوم بینجامد.

نکته

هنگامی که الف مضموم و مفتوح بین پیشوند «ب» و «ن» و فعل قرار گیرد، الف آغازین در نوشتن حذف می‌شود.

#زین_قند_پارسی

در جلسه رونمایی و نقد و بررسی کتاب «کارنامه فیاض» بیان شد

ضعیف‌کردن فرهنگ ایران، همدستی با صهیونیست‌هاست



خادم

گزارش خبری

«کارنامه فیاض» کتابی است درباره دکتر علی‌اکبر فیاض از نامداران فرهنگ و ادب مشهد و خراسان و از تأثیرگذارترین شخصیت های فرهنگی این خطه. بنیان‌گذاری دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد و تصحیح شاخص او از تاریخ بیهقی که هنوز از معتبرترین هاست، بخشی از کارنامه پربار و ثمر اوست. «کارنامه فیاض» که به کوشش دکتر سلمان ساکت و با همراهی اعظم رمضانی کامه علیا به انجام رسیده، کتاب مفصلی است که مجموعه آثار دکتر فیاض، به انضمام مقاله ها و یادداشت هایی درباره او و همچنین اسناد و تصاویر مربوط در آن گرد آمده است. مراسم رونمایی و نقد و بررسی این کتاب که کامل ترین اثر درباره زنده یاد فیاض است، در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. سلمان ساکت، اصغر دادبه، رسول جعفریان، امیرحسین ساکت و بهرام پروین گنابادی سخنرانان این نشست بودند که در ادامه بخش هایی از صحبت های آنان می‌آید.

آرزوی دکتر فیاض این بود که خراسان پایتخت فرهنگ ایران باشد

سلمان ساکت، مؤلف کتاب، استاد زبان و ادبیات دانشگاه فردوسی

دکتر فیاض یکی از شخصیت های مطرح معاصر ماست، ولی به دلیل ویژگی های اخلاقی خاصی مانند کم‌گویی و کم سخنی و کم نویسی، آن چنان که باید و شاید قدر و اهمیتش در تاریخ معاصر خراسان شناخته نشده است. دکتر فیاض در حجاب معاصرت قرار گرفته است. ما حتی تاریخ دقیق تولد او را هم نمی دانیم، فقط می دانیم که متولد ۱۲۷۷ خورشیدی است. پدر دکتر فیاض، عبدالمجید ثقه الاسلام، در مشهد مجتهد بود و خادم باشی آستان قدس و آدمی بسیار متعصب. منصب این خاندان در آستان قدس موروثی بود. او همین منصب موروثی را برعهده می‌گیرد و خادم باشی کشیک اول می شود، ولی خیلی زود کناره می‌گیرد. گویی خیلی با روحیاتش سازگار نبوده است. بنابراین، با همان علوم قدیمه که پیش استادان بزرگی مانند آقا بزرگ شهیدی، میرزا محمدباقر مدرس رضوی و دیگران فرا گرفته بود به استخدام اداره فرهنگ در می آید. خیلی زود شایستگی خود را نشان می دهد و اسدی که نایب التولیه خراسان بود او را به ریاست دبیرستان «شاه رضا» منصوب می‌کند. اتفاق مهمی می‌افتد -که در کتاب به تفصیل آمده است- به دلیل نداشتن مدرک تحصیلی مانع تدریسش در دبیرستان می شوند. این ماجرا خیلی به فیاض برمی خورد. او سال ۱۳۱۶ و در آستانه چهل سالگی به تهران می رود و شروع می‌کند به صورت شبانه ابتدایی و متوسطه را خواندن. بعد وارد دانش سرای عالی می شود، لیسانس می‌گیرد، وارد مقطع دکتری می شود و همه این مسیر را با توجه به علمی که داشته خیلی فشرده می‌گذراند و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران دکتری می‌گیرد. پس از آن تدریس را در دانشگاه آغاز می‌کند. دو دوره نماینده مردم مشهد در مجلس می شود. سال ۱۳۳۴ دومین بنایی که در مشهد پایه‌گذاری می‌کند، دانشکده ادبیات است. این کار به پایمردی دو استاد برجسته مشهدی انجام می شود که قدر آن ها هم آن چنان که باید و شاید شناخته نشده است. دو سناتور خوش نام خراسان به نام های محمود فرخ و علی مؤید ثابتی، دکتر فیاض را انتخاب می‌کنند و به وزیر پیشنهاد می دهند که مؤسس دانشکده ادبیات بشود و اوسال ۱۳۳۴ دانشکده ادبیات را بنیان می‌گذارد.

دکتر فیاض برای انتخاب استادان بسیار حساس بود و در کار علمی اصلا اهل مسامحه و تعارف نبود. بنابراین، بنایی گذاشت چنان استوار که تا امروز هم اگر ارج و قدری برای دانشکده ادبیات و گروه ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد هست، به واسطه این ستون استوار است.

در سال ۱۳۳۷ دانشکده الهیات را بنیان می‌گذارد. در این فاصله -یعنی فاصله سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷- اگر کارهایی که در دانشکده ادبیات انجام داده است ملاحظه کنید، با کاری که امروز دارد انجام می شود قابل مقایسه نیست. به عنوان نمونه ماهانه جلساتی از طرف دانشکده ادبیات در سطح شهر و در دبیرستان فروغ که آن موقع دبیرستان معروفی در مشهد بود برای عموم مردم برگزار می‌کرد؛ مانند سخنرانی و پخش فیلم. سال ۱۳۳۶ در مصاحبه ای در پاسخ به این سؤال که برنامه شما برای سال آینده چیست؟ می‌گوید: دانشجویان ما باید مهارت به دست بیاورند. ما می خواهیم برای این ها کلاس نمایش و روزنامه نگاری بگذاریم. این چیزی است که ما امروز داریم به آن فکر می‌کنیم. او آرزوی پیشگامی و پیشتازی خراسان را داشته و فکر می‌کرده اگر تهران پایتخت سیاسی است، خراسان به دلیل سابقه ای که دارد باید پایتخت فرهنگی ایران باشد. فیاض خیلی اهل شعر نبوده، بیشتر اهل نقد بوده است و می شود او را از پیشگامان نقد ادبی در ایران دانست. در چند مجله مهم خراسان در آن زمان نقش مهم و جدی داشت. چندین زبان می دانست. دکتر شفیعی کدکنی به من گفتند که آن زمان در مشهد معروف بوده است که در خراسان کسی به اندازه ایشان روسی نمی داند. و در سال ۱۳۰۵ می بینید که از روسی ترجمه کرده است. به زبان فرانسه مسلط بود، از منابع انگلیسی و آلمانی و لاتین استفاده می‌کرد. در اواخر عمر شروع کرده بود یونانی آموختن و زبان چینی یاد گرفتن. این میزان همت عجیب است. سال ۱۳۴۱ از دانشگاه مشهد به دانشگاه تهران برمی‌گردد. در سال ۱۳۴۶ بازنشسته می شود و دوباره به زادگاهش مشهد برمی‌گردد. در سال ۱۳۴۹ به میان داری او کنگره بیهقی برگزار می شود که یکی از مهم ترین کنگره های ایران بوده است. متأسفانه یک سال بعد فیاض فوت می‌کند و چاپ جدید تاریخ بیهقی خودش را نمی بیند. تصحیحی که هنوز کاملا معتبر و قابل اعتناست.

این ها را گفتم تا بگویم چرا به فیاض پرداختیم. سال ۱۳۹۷ وقتی ما شب علی اکبر فیاض را با همکاری آقای علی دهباشی در سلسله شب های بخارا برگزار کردیم، متوجه شدم چقدر از آثار فیاض مغفول واقع شده و در آن کار قبلی که سال ۱۳۸۳ منتشر شده بود، نیامده و شاید نیمی از آثار او دیده نشده است. بعدها طی تحقیق متوجه شدیم که او آثار اولش را با نام فیاض امضا نمی‌کرده، بلکه چون از خاندان سادات شهیدی مشهد بود، شهیدی خراسانی امضا می‌کرده است. به سرانجام رساندن این کار پنج سال زمان برده است.

در موقعیتی خطرناک قرار گرفته ایم

دکتر اصغر دادبه، استاد فلسفه اسلامی و ادبیات عرفانی دانشگاه علامه طباطبایی

وقتی کتاب را ورق می زدم، وجوه مختلفی از دکتر فیاض در آن دیدم. آن چیزی که نظر مرا جلب کرد حسی بود که دکتر فیاض نسبت به زبان و ادب فارسی داشته و سعی می‌کرده است آن را حفظ کند. دردی که دارد در بعضی از سخنرانی هایش دیده می شود. نگران ادبیات است، توصیه می‌کند مدرسه های ادبیات خوب تأسیس شود، دنبال معلم خوب می‌گردد.

این حرف ها از کجا پیدا شد که اگر حافظ نبود چطور می شد و اگر سعدی نبود چه اتفاقی می افتاد و اصلا این ها به چه دردی می خورند؟ این ها از جریان های فکری فلسفی قرن نوزدهم اروپا آب می خورد که پوزیتیویست ها یا اثبات‌گرایان می‌گفتند علم و فن پاسخ همه نیازهای ما را می دهد. وقتی این نظریه به کشور ما آمد کاسه داغ‌تر از آش شدیم و شروع کردیم به نفی همه چیز و کلنگی کردن فرهنگ و ادب. شما در فرنگستان ساختمان های ۳۰۰، ۴۰۰، ۵۰۰ ساله می بینید که اجازه ندارند دست بهش بزنند. اما ساختمان های ما ۳۰ سال که از عمرش گذشت، می شود کلنگی. حالا وزیر این مملکت می خواهد اطراف آرامگاه کوروش در پاسارگاد کشاورزی راه بیندازد! غرب می خواهد بگوید غیر از تمدن من چیزی وجود نداشته و ما هم داریم کمکش می‌کنیم. بعد از این نشانه های ملموس تمدنی، آمده اند سراغ فرهنگمان. مگر آن اسرائیلی نگفت اگر می خواهید این ها را نابود کنید، حافظ و سعدی و فردوسی را ازشان بگیرید؟ طالبان آشکارا این ها را گرفته اند و خودمان داریم کم کم می‌گیریم. در کتاب های درسی ما چه مانده است؟ یکی از متونی که ما در کتاب های پنجم و ششم ابتدایی می خواندیم باقی نمانده است. الان مسئله کلنگی کردن فرهنگ و ادب در جریان است. دکتر فیاض خدابیامرز با دلسوزی ویژه‌ای به این موضوع توجه کرده است. اگر قرار است دشمن را شاد کنیم، تئوریسین صهیونیست و اسرائیل را شاد کنیم، خوب داریم پیش می رویم. عیب ندارد، بچه های ما دارند بیگانه می شوند با بوستان و گلستان و تمام متونی که انسانیت و رفتار درست را یاد می دهند. هنر، که ادبیات گل سرسبد آن است، برآورده‌کننده نیازهای عاطفی ماست. سعدی و حافظ و فردوسی به این درد می خورند. بی ذوقی، کج سلیقگی، بی فهمی، این ها نتیجه توجه نکردن به جنبه های عاطفی و غیر مادی است. ادبیات ما فقط برآورده‌کننده نیازهای عاطفی نیستند، بلکه جنبه عقلی را هم با فلسفه و حکمت آموزش می دهد. ادبیات ما استثنایی است و حتی ادبیات عرب این طور نیست. ادبیات ما دو وظیفه را به دوش می‌کشد، یعنی هم نیازهای جنبه عاطفی و هم جنبه عقلی را برآورده می‌کند. آدمی که سه جنبه نیازش رفع شود می شود آدم حسابی، آدم معتدل، آدمی که می تواند تصمیم متناسب بگیرد. ما در موقعیتی بسیار خطرناک قرار گرفته ایم و وظیفه داریم جلوی کلنگی شدن فرهنگ و ادب را بگیریم. خودمان به کودکانمان یاد بدهیم. در روز چند دقیقه وقت بگذاریم و آن ها را با شعر و ادبیات آشنا کنیم.

«تاریخ اسلام» کتاب مهم دکتر فیاض

دکتر رسول جعفریان، استاد تاریخ دانشگاه تهران

آنچه به کار من مربوط است، کتاب «تاریخ اسلام» مرحوم فیاض است. در واقع ایشان کتاب های کمی دارد و «تاریخ اسلام» از کتاب های پرفایده و شناخته شده ایشان است. دانشکده الهیات تحقیقاتش در حوزه تاریخ اسلام نسبتا خوب است. قدم اول این کار را هم مرحوم فیاض برداشته است، قدم دوم کار مرحوم آیتی است و قدم سوم کار مرحوم شریعتی که آن هم درس های اسلام شناسی دانشگاه مشهدش است که سال ۱۳۴۷ چاپ شد. البته شریعتی متفاوت با این دو نفر بود.

فیاض هم سید بود، هم به صورت موروثی در آستان قدس صاحب منسب بود و علائق طلبگی اش را هم داشت (البته نمی دانم در ادامه زندگی اش چه تغییری کرده است) اما در کتاب «تاریخ اسلام» او یک آدم مشتاق اسلام است. متن آخوندی و حوزوی ننوشته، متنی نوشته که مخاطبش دانشجو است. دلش می خواسته تصویری از تاریخ اسلام و ایران بدهد و خیلی از این جهت گزینش خوبی می‌کند. نثرش گویاست و یک جمله اضافی در آن نمی بینید. یعنی دقیقا دارد متن تاریخی شسته رُفته در سطح اطلاعات زمان خودش می نوشته است. البته در این کتاب وارد نقادی هم نمی شود.

مجذوب فرنگی ها نشد و همیشه اصالت ایرانی خودش را حفظ کرد

امیرحسین ساکت، نویسنده، مترجم و پژوهشگر

هنگامی که دوران سربازی ام را در مشهد می‌گذراندم، افتخار این را داشتم که در انجمن ادبی فرخ، آقای فیاض را زیارت کنم. خاطره ای را دکتر شریعتی از ایشان نقل می‌کرد و می‌گفت خیلی کم صحبت بوده و در جلسه ها و نشست های ادبی اگر کسی اشتباه یا نادرست چیزی می‌گفت، ایشان هیچ چیزی نمی‌گفت مگر اینکه از ایشان می پرسیدند.

با صحبتی که با دکتر شریعتی داشتم، ایشان خاطره ای از آقای فیاض تعریف کرد. می‌گفت خانه آقای فیاض پشت باغ ملی مشهد بود. روزهای جمعه می رفتم در خانه ایشان که ببینمشان تا از ایشان استفاده علمی کنم. همین طور که از وسط باغ ملی عبور می‌کردیم، وسط باغ بساط شطرنج پهن بود و او یک ساعت می ایستاد و به این بازی نگاه می‌کرد و بعد می‌گفت: «آقا عجب خوب بازی کردید.» این تنها حرفی بود که ایشان می‌زد. ماحتی چیزی می پرسیدیم، پاسخ نمی‌گفت. فیاض بسیار هم ساده زیست بود. اگر نمی شناختیدش نمی توانستید بفهمید که او دکتر فیاض است.

کتاب «شعر پارسی و تمدن اسلامی در ایران» که خود ایشان به من داد و لطف کرد و اجازه داد که ترجمه اش کنم، مجموعه ۱۰ سخنرانی دکتر فیاض است در دانشگاه فاروق اول مصر که بعد از انقلاب این کشور شده دانشگاه قاهره. او سال ۱۳۲۷ به مصر می رود و این سخنرانی ها را به صورت عربی انجام می دهد که در همان کشور منتشر شد. این کتاب دو بخش است، بخش اول سخنرانی های ادبی است و بخش دیگر درباره فرهنگ و تمدن اسلام. نخستین سخنرانی این کتاب با عنوان «آغاز شعر فارسی» در حالی در شهریور سال ۱۳۵۰ در مجله «وحید» منتشر شد که چند روز از فوت ایشان گذشته بود. بقیه اش هم به صورت کامل سال ۱۳۵۶ در یک کتاب چاپ شد. توانایی مرحوم فیاض در دانستن چند زبان باعث شده بود که او از دیگر پژوهندگان در همان زمان ممتاز و برتر باشد. با اینکه آثار فرنگی ها را مطالعه کرده بود، هیچ‌گاه مجذوب آن ها نشد و اصالت شرقی و اسلامی و ایرانی خودش را نگه داشت.

آزاده پرورده شدند

دکتر بهرام پروین گنابادی، پژوهشگر، نویسنده و منتقد ادبی

سال ۱۳۱۱-۱۳۱۲ علی اکبر فیاض می شود مدیر دبیرستان شاه رضا. این زمانی است که هنوز دانشگاه تهران تأسیس نشده است. دبیرستان شاه رضای مشهد پهلو می زد به دبیرستان البرز در تهران و بعدها به دبیرستان حکیم نظامی قم که در واقع این ها زیر سایه دبیرستان شاه رضا بودند. در دبیرستان شاه رضا در آن سال ها برنامه های کوهنوردی، شنا و شیرجه و حتی مناظره و فن بیان داشتند. الان در کدام دبیرستان ما این چیزها را یاد می دهند؟ کسی نقل می‌کرد که فلان معلم ما در آن زمان افکار نو داشت و ما را وادار می‌کرد هدایت، تالستوی و دیگران را بخوانیم. به این سؤال که در سال ۱۳۱۷ در امتحان آمده توجه کنید: «می دانیم که نثر سفرنامه ناصرخسرو نثر ساده یا مرسل است، داستان های هدایت هم نثرشان مرسل است. این دو را با هم مقایسه کنید.» شما اگر این را الان به یک دانشجوی دکتری بدهید آیا جواب درستی به شما می دهد که آن زمان دانش آموز سال پنجم ادبی به آن جواب می داد؟ حرف من این است که اگر دبیرستان شاه رضا پهلو می زد به دبیرستان البرز، اگر آن درس ها و برنامه ها را داشت، اگر آن طور معلم های روشنی داشت، جز این است که زیر سایه علی اکبر فیاض بوده اند؟ بالاخره او مدیر آن دبیرستان بوده است دیگر. با اینکه خودش تحصیلات قدیم داشت و درس حوزه خوانده بود اگر سخت‌گیری می‌کرد که همچین چیزی اتفاق نمی افتاد. موفقیت های آن دبیرستان جز به مدیریت فیاض بوده است؟

نکته دیگری که می خواستم به آن اشاره کنم، فعالیت سیاسی فیاض است. از بین شاگردان ادیب نیشابوری پنج نفر وارد کار سیاسی و نماینده مجلس می شوند. دکتر فیاض دو دوره نماینده مجلس می شود. در نامه ای به دکتر غنی (که سال ها با او همکاری و تاریخ بیهقی را با هم تصحیح کرده بودند) می نویسد که من خیلی دوست دارم بیایم امریکا و شما را ببینم، اما یکی وضع مزاجی ام خوب نیست و یکی اینکه پولی ندارم. آدمی که دو دوره نماینده مجلس و رئیس دبیرستان شاه رضای مشهد بوده، مصر رفته درس داده، و این همه سمت داشته می‌گوید بلیت هواپیما برایم گران است. تمام شاگردان ادیب که رفتند مجلس، وقتی آمدند بیرون نه تنها بر ثروتشان افزوده نشد که چیزی هم از آن کم شد. شما جای دیگری سراغ دارید که پنج شاگرد برجسته ادیبی بروند کار سیاسی بکنند و برای موکلانشان از جیبشان هم خرج بکنند و آخرش هم چیزی نداشته باشند؟ آن ها آزاده پرورده شده بودند.

کتاب خوان

حمزه خوشبخت

قصه ای درباره ایستادگی در برابر زورگویی

اتحاد، رمز فرستادن موش کور به جاهای دور

کتاب «رمز ماشین زمان و تغییر ناگهانی خیار ترشی» قصه ای است که ایستادگی در برابر موش زورگو را به یاد می آورد. این موضوع که هیچ موجودی نمی تواند و حق ندارد دیگران را بازیچه خنده خودش کند. در این کتاب به درستی تصویر شده است. اما پیش و بیش از این بیان مهم، داستانی است که در دل خود حرف های مهم تری جای داده است، از جمله آن ها می توان به نکته های زیر اشاره کرد:

- یکجا نشستن و به حل جدولی قانع شدن یک دور باطل است، چیزی که باعث می شود الرنس، پرنده قصه، هیچ کار خارق العاده ای انجام ندهد. بدین معنا که حتی ابتدایی ترین کارهای روزمره مانند حمام رفتن، دیدن پرنده ها و درخت ها را فراموش کند.

- پذیرش دوست با همه خوبی ها و اشتباهاتش از دیگر نکات برجسته این کتاب است. آنجا که مارکوس-کرم قهرمان داستان- برای تشویق دوستش دست به داستان سازی ماشین زمان می زند، اما درنهایت این الرنس است که وقتی دوستی مارکوس برایش محرز می شود، او را به همان شکلی که هست می پذیرد. اتحاد و دوستی شکل گرفته بین الرنس و مارکوس سبب می شود تا دست در دست هم به مبارزه با موش کور بروند.

- همدلی، اتحاد و دست به دست هم دادن یا بال به بال هم سپردن برای خوش حال کردن یک دوست، کاری که پرنده ها و سنجاب و بقیه برای لارنس و مارکوس انجام می دهند از نکات برجسته این کتاب است.

- اطلاعات ارزشمندی از تاریخ قرون وسطی برای بچه ها در این کتاب تصویر شده است. سفر در زمان و ترتیب نمایش دادن پرنده ها و حیوانات، تصویری هر چند گذرا از قرون وسطی را در اختیار خواننده می‌گذارد که خودش می تواند مقدمه ای برای مطالعه تاریخ باشد.

اگرچه نکات مثبت و درخشان این کتاب به موضوع های اشاره شده ختم نمی شود، اما در نهایت به یک بیان ساده می رسیم: دوستی، اتحاد و دست به دست هم دادن می تواند جلوی زورگویی ها را بگیرد و موش کورها را به جاهای دور بفرستد، آن چنان که هیچ موجودی در جهان گرفتار چنگال زورگویان نباشد.